

مقدمه قانون اساسی باید تغییر کند

گپ و گفت با پروفسور حسین حاتمی
درباره موانع ساختاری اسلام‌گرایی در ترکیه

مصطفی غفاری - محمد مهدی رحیمی

مضمون سخنان برخی مسؤولان ترک مانند آقای اردوغان و احمد داوود اوغلو نشان می‌دهد که آن‌ها تلاشی می‌کنند دستورات اسلامی را در اداره این کشور به کار گیرند. به عبارت دیگر الگویی از سازگاری اسلام با مقتضیات تجدد و توسعه ارائه دهند...

در ترکیه آن‌ها نمی‌توانند به طور صریح از دستورات اسلامی بگویند. اگر چنین بگویند، با آن‌ها مخالفت می‌شود و مخالفین شان می‌گویند: این مخالف قانون اساسی است. شاید در ایران این گونه فکر کنند که این‌ها به دنبال اجرای دستورات دینی هستند اما این عین واقعیت نیست! زیرا بعد از "جمهوریت"، "لائیتیس" مهم‌ترین اصل قانون اساسی ترکیه است. لازم نیست که خود اصطلاح را در قانون اساسی ذکر کرد، بلکه مفهوم آن هم کافی است.

قانون اساسی چه محدودیت‌هایی را برای دولت مدعی اسلام‌گرایی در اجرای سیاست‌های اسلامی به وجود می‌آورد؟

ترکیه یک کشور مسلمان است؛ یعنی اکثریت مردم مسلمان هستند. اما نظام حکومت و قانون اساسی لائیک است و از این جهت مشکلاتی به وجود می‌آید. مثلاً ترکیه در سازمان کنفرانس اسلامی عضویت دارد اما سیستم قانون اساسی آن اصل لائیتیس را قبول کرده و نمی‌تواند آن را ترک کند. لذا در این جا نمی‌توان به سوی اجرای دستورات دینی در سطح حکومت رفت! من پیشنهادی دارم و می‌گویم لائیتیزم در قانون اساسی جدید ترکیه باید این گونه تغییر یابد: دولت جمهوری ترکیه دولتی است که در مقابل اندیشه‌های سیاسی، فلسفی و دینی - اگر این اندیشه‌ها و پیشنهادها با اصول جهان‌شمول و تغییرناپذیر جهان‌بینی حقوق بشر و دولت حقوقی سازگار نیستند - اصلاً سازشی نمی‌کند. یعنی اگر این آراء و اندیشه‌ها با اصول بین‌المللی موافق نباشند اصلاً آن‌ها را قبول نمی‌کند. در این صورت حتی اگر دولت اسلام‌گرا هم باشد، از چهارچوب اصول لائیتیزه خارج نمی‌شود!

در واقع در حال حاضر روح حاکم بر قانون اساسی ترکیه لائیتیزه است، به این معنا که هیچ دستور دینی نباید اجرا شود اما با توجه به شرایط جدید ترکیه می‌توان این قانده را مقداری اصلاح کرد و اجرای دستورات دینی مادامی که ناقض قوانین پذیرفته شده بین‌المللی نباشد را در دستور کار قرار داد.

آیا دولت اسلام‌گرای کنونی واقعاً به دنبال اصلاح قانون اساسی است؟

بله، این دولت می‌خواهد که اقداماتی انجام بدهد؛ البته در انتخابات گذشته با توجه به این که ممکن بود طرح این مسأله باعث بسته شدن و منع فعالیت حزب عدالت و توسعه (از سوی دادگاه) شود، از طرح آن خودداری کردند اما اکنون مجال فراهم است و دارند اقداماتی انجام می‌دهند اما بیم هم دارند که نتیجه کار چگونه می‌شود. لذا اسلام‌گرایان این تمایل را دارند و این تغییر بسیار ضروری است زیرا این قانون اساسی اصلاً قانون اساسی یک حکومت قانونی نیست.

آن‌ها به دنبال تغییر چه قوانینی هستند؟

این حکومت توانست در سال گذشته پس از برقراری یک فراندوم تغییراتی جزئی را در قانون اساسی اعمال کند اما باید این مسیر را ادامه دهد و از نو قانون اساسی نوشته شود؛ زیرا در حال حاضر "مقدمه قانون اساسی" خیلی خطرناک است. این

اگر برای تحقیق در موضوعات حقوقی، سیاسی و اجتماعی ترکیه از ایرانیان سراغ کسی را بگیرید، یکی از اولین نفرات و شاید اولین نفری که به شما معرفی می‌شود، پروفسور سیدحسین حاتمی خواهد بود. ایشان متولد استانبول است اما پدری ایرانی و از اهالی سلماس دارد و مادرش استانبولی است؛ البته خانواده مادری او هم ایرانی هستند. پروفسور حاتمی از اساتید سرشناس دانشگاه استانبول و متخصص حقوق مدنی است. از ایشان کتب متعددی منتشر شده است از جمله درس‌های حقوق اسلامی، سوسیالیسم از منظر اسلام، حقوق اساسی حکومت در اسلام و... که به دلیل محدودیت‌های فراوان، همگی نایاب هستند و ایشان نسخه کپی آن‌ها را به ما داد. جالب است که ایشان به خاطر ترجمه کتب «ولایت فقیه» امام خمینی (ره) به زبان ترکی استانبولی ۷ سال از تدریس در دانشگاه استانبول محروم بوده است. برای این که از منظر حقوقی به مسأله توسعه سال‌های اخیر ترکیه و نسبت آن با اسلام‌گرایی نگاه داشته باشیم، ساعتی را در دفتر کار ایشان در دانشکده حقوق دانشگاه استانبول گذرانیم؛ در حالی که به تازگی از همایش بین‌المللی بیداری اسلامی در تهران بازگشته بود.

زحمت هماهنگی با دکتر حاتمی را یکی از مسؤولان فرهنگی کنسولگری ایران در استانبول متحمل نشد و تأکید زیادی داشت که به موقع در دفتر ایشان حضور داشته باشیم. صبح روز موعود، همان مسؤول محترم - شاید برای این که اهمیت قرار هماهنگی شده را یادآوری کند - بار دیگر تماس گرفت و فضیلت وقت‌شناسی را به ما گوشزد کرد اما از آن جایی که اصل «ترافیک به هیچ قرار می‌رسد» فقط مختص ایران نیست، شلوغی صبحگاهی خیابان‌های مرکزی استانبول باعث شد دقایقی دیرتر به دانشگاه برسیم. برای این که کمتر شرمند باشیم، با تلفن همراه پروفسور تماس گرفتیم تا تأخیر خود را اطلاع دهیم؛ اما خوشبختانه ترافیک به آقای حاتمی هم رحم نکرد و ایشان نیز مثل مادر راه رسیدن به دانشگاه بود!

پس از این، نوبت به خوان مهم‌تر یعنی عبور از گیت‌های امنیتی متعدد در ورودی‌های دانشگاه استانبول و دانشکده‌های آن رسید؛ چیزی که شبیه آن را در هیچ دانشگاه ایرانی ندیده بودیم. در واقع کنترل ورود و خروج دانشجویان و استادان و مراجعان دانشگاه در اختیار پلیس بود. تا دفتر دکتر حاتمی، ۳ گیت و ۲ ورودی مجهز به دستگاه یکسری را پشت سر گذاشتیم. همین امر تأخیر پیش آمده را دوچندان کرد اما خوشبختانه وقتی به دفتر دکتر رسیدیم که وی نیز تازه از راه رسیده و در اتاق خود پذیرای چند دانشجوی دوره دکتری حقوق اساسی بود. پروفسور استقبال گرمی کرد و همه کارهای خود را تعطیل نمود تا به زبان فارسی اما با ته لهجه شیرین ترکی استانبولی، پاسخ‌گوی پرسش‌های ما باشد. استاد که ابتدا گمان می‌کرد برای تکمیل رساله دکتری مان تحقیق می‌کنیم، بلافاصله پس از طرح موضوع بحث، گفت: «می‌توان درباره یکی از جریان‌های اسلام‌گرا یا سیاست ترکیه در قبال کشورهای اسلامی پژوهش کرد، اما مدل اسلامی توسعه در ترکیه موضوعیت ندارد؛ چون ترکیه حکومت اسلامی ندارد!» در ادامه شرح گفت‌گویی ما با پروفسور حاتمی در صبح گاه پاییزی استانبول را می‌خوانید: